

نقش دعا در تکامل معنوی انسان

شریفه فهیمی^۱

چکیده

پژوهش حاضر، کوششی برای تبیین نقش دعا در تکامل معنوی انسان است. هدف از این پژوهش، تبیین چگونگی تأثیر دعا در تکامل معنوی انسان و تصحیح نگرش به آموزه دعا به عنوان راهی برای رسیدن به کمال حقیقی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع دست اول و مختلف جمع‌آوری شده است. با بررسی حقیقت دعا و کمال حقیقی انسان روشن می‌شود که کمال حقیقی انسان، قرب به پروردگار است و دعا به عنوان یک عمل اختیاری، یکی از راه‌های تکامل معنوی انسان است. میزان کسب تکامل معنوی در دعا، به مرتبه ایمانی شخص دعاکننده بستگی دارد.

واژگان کلیدی: دعا، عبادت، تکامل معنوی، مراتب ایمان، کمال حقیقی.

۱. مقدمه

بر اساس آموزه‌های قرآن، هدف نهایی از خلقت انسان، عبودیت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ انسان وقتی به این مقصد نهایی، یعنی عبودیت دست یافت، در جرگه انسان‌های متکامل و هدایت شده قرار می‌گیرد» (ذاریات: ۵۶).

هدایت و تکامل در مسیر عبودیت، مراتب دارد. هر موجودی به اندازه ظرفیت وجودی و حرکت و تلاش خود، می‌تواند به مراتب بالاتری از تکامل دست یابد. عبودیت، با حریت از غیر خدا ملازم است. «انسان موجودی محتاج بوده که حاجت مندی در ذات اوست» (فاطر: ۱۵).

انسان، نیازهای فراوانی در زمینه‌های مختلف دارد و همواره برای رفع احتیاج خود در تکاپو است. انسان‌ها با توجه به اینکه در کدام مرتبه از کمال باشند، خواسته‌های خود را به شکل‌های مختلف برطرف می‌کنند. یکی از این روش‌ها، دعا و عرضه حاجت به محضر خداوند است. با توجه به آموزه‌های اسلامی، دعا کردن به درگاه معبود، امری فطری و یکی از مهمترین ابزار و وسایل، برای رسیدن به خدا و نیل به تکامل مادی و معنوی و حل مشکلات فردی و اجتماعی است. در قرآن کریم و روایات، بر اهمیت دعا تأکید شده است. در قرآن کریم، به استکبارکنندگان

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، از افغانستان.

از دعا، وعده عذاب دوزخ داده شده و روایات بسیاری نیز در مورد اهمیت و فضیلت دعا وجود دارد که دعا را کلید رستگاری و مغز عبادات معرفی کرده‌اند. با توجه به اهمیت دعا و عبادت، مسئله اساسی در این پژوهش، تبیین رابطه دعا و تکامل معنوی انسان است. پژوهش‌های متعددی در ارتباط با دعا صورت گرفته مانند تفسیر ادعیه قرآنی، تفسیر ادعیه معصومین علیهم‌السلام، بررسی درباره نقش دعا در تربیت، تحلیل و تبیین فلسفی و کلامی دعا و جایگاه آن در جهان‌شناسی. با توجه به بررسی صورت گرفته، هیچ یک از تحقیقات انجام شده به طور مستقل، به تبیین نقش دعا در تکامل معنوی انسان نپرداخته‌اند.

برای تبیین این موضوع، ابتدا به مفهوم شناسی دعا و تکامل معنوی انسان پرداخته، سپس حقیقت دعا و کمال حقیقی و معنوی انسان را مورد پژوهش قرار داده تا از این راه، نقش دعا در تکامل معنوی انسان بررسی و تبیین شود.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. دعا

دعا از ریشه دعو بوده و در لغت به معنای خواندن، حاجت خواستن و استمداد است. (قرشی، ۱۳۶۷) واژه دعا و دیگر مشتقات آن در قرآن مجید در سیزده معنا به کار رفته مانند خواندن، دعا کردن، خواستن از خداوند، ندا دادن، صدا زدن، دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، استغاثه و یاری خواستن، عبادت کردن و ... است (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۱/۱۰۵۴).

دعا در اصطلاح، یعنی سخنی انشایی همراه با خضوع و فروتنی که بر طلب و درخواست دلالت می‌کند. (تهانوی، ۱۹۹۶) ابن فهد حلی در تعریف اصطلاحی دعا می‌نویسد: «دعا بدین معنا است که فرد پست و پایین، از فرد برتر و بالاتر، با حالت خضوع و سرافکندگی، چیزی را طلب کند». (آصفی، ۱۴۱۸، ص ۹)

۲-۲. تکامل معنوی

واژه تکامل، مصدری از ریشه کمل به معنای به کمال رسیدن، رو به کمال رفتن و به تدریج کامل شدن است. (معین، ۱۳۸۶) کمال نیز اسمی است به معنای تمام شدن، تمام، تمامیت، آراستگی صفات، آنچه تمامیت و کمال نوع در ذات یا صفات به آن بستگی دارد، آمده است. (معین، ۱۳۸۶) فرق تمام و کمال در این است که کمال هر چیزی، حصول غرض از آن چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۹) و تمام بودن هر چیز، منتهی شدن آن به حدی است که دیگر احتیاج

به چیزی خارج از خود نداشته باشد. بنابراین، کمال امری زاید بر تمام است و حصول زیبایی و غرض هم در آن نهفته است (مؤمنی، ۱۳۷۸، ص ۳۹). برای مثال تمام انسان، یعنی انسانی که ناقص نباشد و کمال انسان، یعنی صفات پسندیده را هم داشته باشد.

واژه معنوی، اسم منسوب است و در لغت به معنای منسوب به معنا، حقیقی و باطنی. (معین، ۱۳۸۶)، راست، اصلی، ذاتی، مطلق و روحانی است (دهخدا، ۱۳۷۳) بنابراین، تکامل معنوی عبارت است از سیر عملی و تدریجی، که روح در درون ذات خود به سوی خدا برای رسیدن به قرب خدا که همان کمال حقیقی است، انجام می دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۷۹).

۳. حقیقت دعا

حقیقت دعا، همان توجه موجود ناقص به کامل مطلق است که امری فطری بوده و لازمه آن، یأس از غیر حق و انقطاع از غیر الله است. حقیقت دعا، توجه به بارگاه حضرت معبود بوده و برای مؤمنان، نوعی معراج و تکامل روحی و معنوی است. دعا، فقط تلفظ پاره‌ای کلمات و مراعات برخی آداب خاص نیست. حقیقت و روح دعا، توجه قلبی انسان به خداوند عالم است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، حقیقت دعا چیزی جز عبادت نیست و حتی به دلیل توجه انسان به خداوند در انجام این عبادت، شاید بر بسیاری از عبادات دیگر ترجیح داشته باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲)

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می فرماید: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ؛ دعا به منزله مغز همه عبادات است». (ابن فهد حلی، ۱۴۰۴، ۳۰۰/۹۰)

در قرآن کریم نیز خداوند، آنجا که مسئله استکبار از دعا را مطرح می کند، می فرماید:

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.

پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم. آنانکه از عبادت من اعراض کنند و بزرگی فروشند، به زودی با ذلت و خواری به دوزخ وارد شوند. (غافر: ۶۰)

زراره در مورد این آیه در حدیثی از امام محمد باقر علیه‌السلام نقل کرده که فرمود: «هُوَ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ؛ مقصود از عبادت در اینجا دعا است و برترین عبادت، دعا است». (کلینی، ۱۳۶۲، ۴۶۶/۲)

بنابراین، در این آیه، خداوند، دعا را به عنوان عبادت معرفی کرده و آن را از لوازم بندگی می داند؛ زیرا تهدید به آتش دوزخ که برای ترک کننده آن آمده، اختصاص به ترک یک قسم از

اقسام عبادت ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۷/۲)

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که آیا و چگونه اگر انسان چیزی از خدا بخواهد، او را عبادت کرده است؟ برای روشن شدن این سؤال، باید حقیقت عبادت روشن شود.

حقیقت عبادت این است که انسان، خود را بنده و مملوک خدا دانسته و برای خود، مالکیت و اراده مستقلی در مقابل خدا نداشته باشد، بلکه خود و دارایی خود را از آن خدا دانسته و به طور کامل، تسلیم اراده او باشد. به عبد بودن خود در مقابل پروردگار اعتراف کرده و از روی اختیار، بندگی تکوینی خود را در مقابل خدا اظهار بدارد.

امام علی علیه السلام در مناجات خود می‌فرماید: «الْهِيَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ وَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ وَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْعَبْدُ... وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ».

عبادت، اظهار همین مطلب است، خواه با توجه قلبی، خواه با اظهار زبانی یا نشان دادن با اعضا و جوارح. رکوع و سجود نیز اگر عبادت به حساب می‌آید، به این دلیل است که بیانگر اظهار ذلت در مقابل عظمت بیکران الهی است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۹۱/۹۵)

ذکر زبانی نیز گویای همین حقیقت است. اصل همه عبادات و روح آنها، توجه قلبی است و حرکات و ذکر زبانی، جلوه این حقیقت است. دعا، نشان دهنده اعتقاد به مالکیت، ربوبیت و عزت و قدرت الهی در عمل است. کسی که دست خود را به درگاه الهی دراز می‌کند، گردن خود را کج و سر خود را خم می‌کند، روی به خاک می‌ساید و اشک از دیدگان سرازیر می‌کند و با دعای خود از او حاجت می‌خواهد، در عمل، نهایت شکستگی و تذلل خود را در برابر عظمت الهی نشان داده، خود را فقیر، ضعیف، ذلیل و بیچاره و خدا را غنی، قوی، عزیز و قادر می‌بیند و با حالت خود، این حقیقت را بیان می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱)

اگرچه دعا در ظاهر، درخواست رفع نیازهای مادی و معنوی است، ولی در واقع، اعتراف به بندگی، فقر و عجز انسان است. با وجود اینکه دعا، به شکل تکلم الفاظ است، اما الفاظ، از درون انسان حکایت می‌کنند و به خودی خود، اصالت ندارند. در نتیجه، زبان الفاظ و نحوه تلفظ آنها، نمی‌تواند تأثیری در حوادث جهان داشته باشد. به عبارت دیگر، دعا امری قلبی است و زبان، فقط از آنچه در دل است، حکایت می‌کند. پس، دعا باید از دل و جان انسان برآید. تلفظ برخی کلمات با زبان، بدون توجه قلبی، دعا نیست و باید با خواست جدی قلبی همراه باشد. بنابراین، حقیقت دعا چیزی جز عبادت نیست، بلکه بالاترین عبادات و به تعبیر حدیث شریف، مخ تمام عبادات است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱)

حقیقت دعا این است که خدا، انسان را به حضور پذیرفته و به او توجه کند و انسان نیز خداوند را زیارت کند و حکمت دعا، همان روح دعا است که دعاکننده، خود را در مشهد و منظر مدعو، یعنی خداوند بداند و او را شاهد خویش کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۶)

۴. کمال حقیقی انسان

کمال، از دیدگاه‌های مختلفی تفسیر می‌شود و نقطه مشترک تمام دیدگاه‌ها آن است که رشد و کمال، همواره دراموری اتفاق می‌افتد که مراتب متغیر دارد و انسان، با داشتن این ویژگی، موجودی است که باید با سیر و حرکت اختیاری به کمال نهایی خود برسد و رسیدن به هدف اصلی، در گرو انتخاب آگاهانه خودش است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۸۶)

کمال حقیقی انسان، آخرین مرتبه وجودی و عالی‌ترین کمالی است که استعداد یافتن آن را دارد و کمالات دیگر، جنبه مقدمی در رسیدن به کمال حقیقی داشته و آلی و نسبی هستند. مقدمی بودن این کمالات، به تأثیری بستگی دارد که آنها در رسیدن انسان به کمال حقیقی دارند، اگرچه خود کمال حقیقی نیز مراتب مختلفی دارد. بنابراین، مطلوب اصیل انسان، همان کمال حقیقی است و مطلوب بودن اشیای دیگر، فرعی و بسته به دخالتی دارند که در حصول کمال حقیقی است.

لذتی که انسان طالب آن است، لذتی است که از حصول کمال حقیقی می‌برد و دیگر لذت‌ها، جنبه مقدمی دارند. لذتی اصیل است که از رسیدن به مطلوب اصیل حاصل شود، پس شناخت کمال حقیقی، مستلزم شناختن لذید اصیل است و شناختن لذید اصیل، با شناختن چیزی که بتوان بیشترین، عالی‌ترین و پایدارترین لذات را برای انسان پدید آورد، ملازم است. بنابراین، شناخت لذت بخش‌ترین موجودات، موجب شناخت لذید اصیل و کمال حقیقی انسان می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۳۸)

لذتی که انسان می‌برد، یا از وجود خویش است، یا از کمال خویش و یا از موجوداتی که نیازمند به آنهاست و به گونه‌ای با آنها ارتباط وجودی دارد، پس اگر بتواند وجود خود را وابسته به موجودی ببیند که همه ارتباطات و تعلقات به او منتهی می‌شود و ارتباط با او انسان را از هر وابستگی دیگری مستغنی می‌کند، به عالی‌ترین لذت‌ها می‌رسد، پس مطلوب حقیقی انسان که عالی‌ترین لذت‌ها را از او می‌برد، موجودی اصیل است که هستی انسان، قائم به او و عین ربط و تعلق به او باشد. لذید اصیل، خداوند واجب تعالی است و لذت اصیل و کمال حقیقی انسان، از ارتباط، قرب و مشاهده او، در حالی که به او وابسته و قائم است، حاصل می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، صص ۴۱-۴۲)

بنابراین، تکامل اختیاری انسان از راه خداپرستی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۵۸) انسان در راه تکامل حقیقی، با سیر عملی که روح در درون ذات خود به سوی خدا دارد، به مقامی می‌رسد که خود را عین تعلق و ارتباط به او بیابد و برای خود و هیچ موجود دیگری، استقلالی در ذات، صفات و افعال نبیند و هیچ پیشامدی او را از این مشاهده باز ندارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۷۹)

وقتی انسان، کمال مطلق را برای هدف خود انتخاب کند، برای تمام کوشش‌هایش، هدف و معنای واحدی در نظر می‌گیرد. این وحدت و اشتراک در معنا، به انسجام فعالیت‌های انسان در قالب یک مجموعه می‌رسد و چون هدف سایر موجودات نیز الله است، با آنها نیز در هماهنگی و یک جهتی قرار می‌گیرد. هرچه این هم‌جهتی و انطباق انسان بیشتر باشد، رشد و تکامل او بیشتر می‌شود.

قرآن کریم نیز ملاک رشد و کمال انسان را معرفی کرده و آیات متعددی به این امر صراحت دارد مانند «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا؛ پس هر کس تسلیم خدا گردد راه رشد را پیش گرفته است» (توبه: ۱۴)؛ «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ پس باید که آنان نیز دعوت مرا اجابت نموده و باید به من ایمان آورند تا شاید رشد یابند» (بقره: ۱۸۶). از این آیات روشن می‌شود که ملاک اصلی رشد و کمال، ایمان به خدا و تسلیم در برابر او بودن است.

۵. مراتب کمال انسان با ملاک ایمان

۵-۱. ایمان، امری ذو مراتب

ایمان، مراتب و درجات مختلفی دارد و این طور نیست که همه کسانی که مؤمن نامیده می‌شوند، درجه ایمانشان یکسان باشد، پس مراتب کمال نیز به مراتب ایمان بستگی دارد. آیاتی از قرآن کریم دلالت دارند که ایمان، قابل افزایش و زیاد شدن است و همین مسئله نشان می‌دهد که ایمان، درجات مختلفی دارد.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.

مؤمنین، تنها کسانی هستند که وقتی یاد خداوند به میان می‌آید، دل‌هایشان از ترس می‌تپد و وقتی آیات او برایشان تلاوت می‌شود، ایمانشان زیادتر می‌شود و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. (انفال: ۲)

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ او همان خدایی است که آرامش و قوت قلب را بر دل‌های مؤمنین نازل کرد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.» (فتح: ۴)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا.

و چون مؤمنان احزاب را دیدند، گفتند این همان وعده‌ای است که خدا و رسولش به ما داد و خدا و رسولش راست گفتند و از دیدن احزاب، جز بیشتر شدن ایمان و تسلیم، بهره‌ای نگرفتند. (احزاب: ۲۲)

۲-۵. ملاک سنجش مرتبه ایمان

برای سنجش مراتب ایمان، می‌توان به میزان التزام عملی افراد توجه کرد. لازمه بالاترین مرتبه ایمان، این است که صاحب آن به تمام لوازم عملی، صددرصد ملتزم باشد تا به مراتب بعدی برسد. انسان‌های معمولی، با آنکه بنایشان بر این است که صددرصد ملتزم باشند، اما در عمل، سستی کرده و معصیت می‌کنند. چنین کسی، مؤمن گناه‌کار است و با کافر باطنی فرق دارد. کافر باطنی در اصل بناگذاری مشکل دارد، ولی مؤمن گناه‌کار، در میزان پایبندی به بناگذاری. افرادی که صددرصد در تمام امور زندگی خود به اصول و ارزش‌های دین متعهد بوده و کمترین تخطی نمی‌کنند، معصوم نامیده می‌شوند. از نظر عقلی و فلسفی هم ممکن است که انسان عادی، به مرتبه‌ای برسد که التزام کامل به لوازم ایمانش داشته باشد و گناهی مرتکب نشود، اما بیشتر افراد عادی، به گونه‌ای هستند که در طول عمرشان به طور مداوم در افت و خیزند. گاهی مطیع‌اند و گاهی عاصی. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، صص ۱۵۱-۱۵۲)

انسان، به میزان ایمان و معرفت خود، به سوی خدا سیر می‌کند و کسی که از ایمان و تقوا فاصله بگیرد و به سوی رذایل پیش رود، به ملاقات اشد المعاقبین رفته و کسی هم که بر اساس ایمان و تقوا به سوی فضایل حرکت کند و سیر تکامل خود را در پیش گیرد، به لقای ارحم الراحمین می‌رسد. قرآن کریم از سیر انسان به صورت یاد کرده که به معنای متحول شدن و از منزلتی به منزلت دیگر تکامل یافتن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، صص ۹۹-۱۰۰)

با توجه به روایات معصومین علیهم‌السلام، در مسیر رشد و کمال معنوی انسان، چهار مرحله مشخص وجود دارد. مرحله اسلام، مرحله ایمان، مرحله تقوا و مرحله یقین. بر این اساس، منظور از اسلام، گردن نهادن به ظواهر آیین اسلام، منظور از ایمان، مرتبه ثبوت و استواری ایمان و مراد از تقوا، تقوای حاصل از ایمان ثابت است نه مراتبی که در هر مؤمنی وجود دارد. مقصود از یقین نیز، بالاترین مرتبه از یقین است که هیچ شک و تردیدی در مؤمن یافت نشده و به مقام شهود نایل شده است. (باقری، ۱۳۹۱/۱، ۲۴۴) بنابراین، مسیر رسیدن به کمال حقیقی و نهایی یا همان قرب الهی، با اسلام شروع می‌شود و بنده با سیر در مراتب ایمان و تقوا و یقین، مراحل قرب الهی را می‌پیماید.

۶. چگونگی تأثیر دعا در تکامل معنوی

هرگونه فعالیت در صورتی در مسیر تکامل انسان قرار دارد که رابطه مثبتی با هدف و کمال نهایی، یعنی قرب به خدا و یافتن تعلق وجودی به او داشته باشد. چنین رابطه‌ای را به طور مستقیم، تنها میان توجهات قلبی و حالات روحی و معنوی می‌توان جست‌وجو کرد و اصیل‌ترین عبادت، همان فعالیت است که دل، آزادانه و آگاهانه برای یافتن مطلوب فطری خود انجام دهد که بارزترین آن، دعا است.

دعا، حتی اگر هیچ درخواستی هم پذیرفته نشود، موجب نزدیکی به خداوند متعال و تکامل معنوی انسان می‌شود. ارتباط با خدا، سخن گفتن با او و مخاطب دانستن او، موجب نزدیکی انسان به خدا می‌شود؛ زیرا خداوند متعال، بین خود و بنده‌اش، واسطه‌ای قرار نمی‌دهد. (برازش، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵)

به نقل از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله العالی در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۸۴، امام علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «هُوَ رَحِيمٌ كَرِيمٌ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مَنٌ يَخْجُبُكَ عَنْهُ؛ خداوند متعال، رحیم و بخشنده‌ای است که بین تو و بین خودش، فاصله و حجابی قرار نداده است». (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۰۵/۷۴)

فایده حقیقی دعا، توجه به خدا و عبادت او است. بنابراین، دعا و مناجات با خداوند، یکی از راه‌های تکامل انسان و بهترین وسیله انسان‌سازی است و گاهی، هدف از دعا، درخواست معنویت برای رسیدن به تکامل معنوی و حقیقی است. افزون بر آن، دعاهاى مأثور از معصومین علیهم السلام مقاصد بلند انسانی و رسیدن به کمالات عالی را تعلیم می‌دهند. به عبارت دیگر، راه مستقیم رسیدن به کمال را نشان می‌دهند. (بهرامی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷)

در آیات قرآن کریم، نفس انسانی به نفس اماره، به معنای وادارنده به هر بدی و زشتی، تعبیر شده است. بنابراین، در تعالیم اسلامی بر تربیت نفس تأکید شده است. از طرفی مشکل نفس، توجه به خود است و این توجه به خود، با توجه به غیر، نه تنها زایل نشده، بلکه از درون تقویت نیز می‌شود. راه درمان این توجه به خود، توجه به موجود مطلق و کمال مطلق، در عین یادآوری ناچیزی و محدودیت خود است. خواندن عمیق دعاها، به ویژه دعاهاى توحیدی که شامل بیان صفات کمال الهی است، تأثیری سازنده در تربیت نفس و تکامل آن دارد. در این دعاها، هم قدرت خداوند و امکان قطعی تأثیر قدرت در صورت تکاملی نفس انسان یادآوری می‌شود و

هم جهات امکانی و نقص نفس ترسیم می‌یابد و انسان طالب تکامل درمی‌یابد که در توجه به خداوند و استغراق در آن، به مقصود نهایی که قرب به مبدأ کمال است، می‌توان رسید. (باقریان موحد، ۱۳۸۷، صص ۸۲-۸۳)

کمال انسان در این است که فقر خود را نسبت به خدا درک کرده و به این حقیقت اعتراف کند. تا زمانی که انسان به این واقعیت اعتراف نکرده و فقر خود را به درستی نشناسد، به کمال انسانی نمی‌رسد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۳۹) انسان در هنگام دعا نیز، خود جاهل و محتاج، ضعیف، ناقص و گناه‌کار را در برابر کمال مطلق قرار داده و می‌خواهد نقص هایش با نظر لطف و رحمت مبدأ کمال برطرف شده و در مسیر تکامل به کمال تبدیل شود. (باقریان موحد، پیشین، ص ۷۹) افزون بر این، امامان معصوم علیهم‌السلام، به مؤمنان توصیه کرده‌اند که به اخلاق خدایی درآیید. «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ». (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۲۹/۵۸) بنابراین، دعاکننده از طریق دعای خود، سعی می‌کند صفات خدایی را در خود ایجاد و تقویت کند و کوشش می‌کند که همچنان که خدا را به صفاتی مانند مهربانی و گذشت متصف می‌سازد، او نیز با دیگران مهربان و باگذشت باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۴۱). روشن است که کسب اخلاق خدایی و تثبیت آن در نفس، موجب قرب به پروردگار و تکامل معنوی انسان می‌شود.

باید به این موضوع توجه کرد که همان‌طور که مراتب کمال حقیقی، به مراتب ایمان فرد بستگی دارد، مرتبه ایمانی شخص دعاکننده نیز در میزان کسب تکامل معنوی اش نقش مهمی دارد؛ زیرا ملاک سنجش مراتب ایمان، میزان التزام عملی افراد به لوازم ایمان است و برقراری ارتباط با خداوند و راز و نیاز با او در صورتی امکان‌پذیر است که کارهای انسان، خلاف خواست پروردگار نباشد. برای سخن گفتن و طلب حاجت از او، باید دلی پاک و عملی صالح داشت و چون شرط اجابت دعا، ترک گناه است، کسی که درخواستی از خدا دارد، باید مراقب اعمال و رفتار خود باشد. (باقری، ۱۳۸۹، www.rasekhoon.net) بنابراین، تنها راه انسان در بیمودن صحیح مسیر تکامل این است که انسان، فعالیت‌های گوناگون خود را در پرتو قصد و نیت، به صورت عبادت درآورد و به آنها جهت تکاملی ببخشد. چنین انسانی در بالاترین مراتب ایمان قرار گرفته و به کمال حقیقی و نهایی نایل می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که حقیقت دعا، همان عبادت است. همچنین، سیر تکاملی انسان به کمال حقیقی، سیری اختیاری و آگاهانه است که با ایمان به خدا و تسلیم در برابر

او آغاز شده و کمال حقیقی انسان، در سایه عبادت و قرب به پروردگار حاصل می شود. بنابراین، بین دعا و تکامل معنوی انسان، رابطه ای مستقیم وجود دارد. انسان در پرتو دعا، با اعتراف به فقر ذاتی خود، اظهار نیاز و تعلق ذاتی خود به خداوند و با تلاش برای ایجاد و تقویت صفات خدایی در خود و قرب به پروردگار، در مسیر تکامل و رسیدن به کمال حقیقی گام برمی دارد. همچنین دعاهای مأثور از معصومین علیهم السلام، راه مستقیم رسیدن به کمال را نشان می دهند و خواندن آنها، تأثیری سازنده در تربیت نفس و تکامل آن دارد.

در نقش دعا در تکامل معنوی، باید به این نکته توجه داشت که همان طور که مراتب کمال حقیقی، به مراتب ایمان فرد بستگی دارد، مرتبه ایمانی شخص دعاکننده، در میزان کسب تکامل معنوی نقش مهمی دارد. بنابراین، همه فعالیت های دعاکننده، باید رنگ بندگی و عبودیت داشته باشد تا شخص در مسیر تکامل قرار بگیرد؛ زیرا هیچ کار و فعالیتی را جز عبادت خداوند نمی توان موجب کمال حقیقی دانست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آصفی، مهدی (۱۴۱۸). آیین بندگی و نیایش. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷). عدة الداعی و نجاح الساعی. بی جا: دار الکتب الاسلامی.
۴. باقری، خسرو (۱۳۹۱). تگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۵. باقریان موحد، رضا (۱۳۸۷). مقدمه ای بر شناخت دعا. نیایش از نگاه اندیشمندان. تهران: مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا.
۶. باقری، محمدحسن (۱۳۸۹). آثار و فواید دعا. راسخون.
۷. برازش، علی رضا (۱۳۹۰). دعا از منظر حضرت آیه الله خامنه ای. تهران: انقلاب اسلامی.
۸. بهرامی، غلام رضا (۱۳۸۵). دعا و زندگی. قم: دلیل ما.
۹. تهنانوی، محمدعلی (۱۹۹۶). کشف اصطلاحات الفنون و العلوم. بیروت: مکتبه لبنان.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی قرآن، صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: اسرا.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). حکمت عبادات. قم: اسرا.
۱۲. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷). دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران، دوستان.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۹). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۶۷). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مؤمنی، علی (۱۳۷۸). کمال انسان و انسان کامل. قم: آیت اشراق.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). آیین پرواز. قم: انتشارات مؤسسه پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). خودشناسی برای خودسازی. قم: مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). بردرگاه دوست (شرح فرازهایی از دعای ابوحمزه ثمالی، افتتاح و مکارم الاخلاق). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.